

علامه مجلسی؛ اخباری یا اصولی؟

حیات علامه مجلسی هم زمان با رواج تفکر اخباریگری بود. همچنین ایشان در گرایش به اخبار اهل بیت شهره بودند؛ از این رو، تصور شده است که علامه مجلسی (رحمه الله) نیز از پیروان و حتی از سردمداران این تفکر است.



حیات علامه مجلسی هم زمان با رواج تفکر اخباریگری بود. همچنین ایشان در گرایش به اخبار اهل بیت شهره بودند؛ از این رو، تصور شده است که علامه مجلسی (رحمه الله) نیز از پیروان و حتی از سردمداران این تفکر است. علاوه بر موارد فوق، قرائن و شواهد زیر نیز به این تصور کمک کرده است و آن را تقویت می‌کند:

- 1- پدر علامه مجلسی به اخباریان گرایش داشته و علامه مجلسی نیز شاگرد وی بوده است. از این رو طبیعی است که متأثر از پدرش باشد.
- 2- مهم‌ترین و بزرگ‌ترین جامع‌ترین زنج‌ها؛ حدیثی شیعه، بحار الأنوار، به دست ایشان و در این دوران نگاشته شده است.
- 3- نقد تفکر عقل‌گرایانه و مخالفت با فیلسوفان در آثار علامه مجلسی مشهود است.
- 4- نقل روایات ضعیف و سعی در توجیه آن متون نیز در نوشته‌های ایشان مشاهده می‌شود.
- 5- برخی از استادان و پاره‌های از شاگردان علامه مجلسی تفکر اخباری داشته‌اند.

با این همه، برخی از محققان، علامه مجلسی را فردی میان اخباری و اصولی می‌شمارند، زیرا علامه با برخی از مبانی اخباریگری مخالفت کرده است. اما دقت و تأمل در آثار علامه مجلسی بیانگر آن است که با وجود فعالیت‌های فراوان حدیثی و اعتماد شدید ایشان بر روایات اهل بیت (علیهم السلام)، مبانی فکری ایشان با تفکر اخباریگری به طور کامل متفاوت است. با وجود آنکه در زمان او تفکر اخباریگری در دوران اوج خود بود، با این همه وی قواعد اجتهاد و روش مجتهدان را پذیرفته بود و مطابق آنها فتوا می‌داد.

نحوه تعامل علامه مجلسی با مبانی تفکر اخباریگری
چگونگی رویارویی علامه مجلسی با مبانی اخباریان از جمله مهم‌ترین مسائلی است که در تبیین دیدگاه ایشان در موضع اخباریگری بسیار مؤثر است؛ از این رو، لذا در این بخش چگونگی مواجهه ایشان با مبانی اخباریان را بررسی می‌کنیم.

اجتهاد و تقلید

علامه مجلسی، همانند اصولیان و بر خلاف مجتهدان [اخباری]، اجتهاد را واجب کفایی می‌داند و تقلید غیرمجتهد از مجتهد را واجب عینی قلمداد می‌کند.

نفی تقلید از میت

علامه مجلسی، در این مسئله، همانند مجتهدان، تقلید از میت را نفی می‌کند.

نیاز به علم اصول

علامه مجلسی، آشنایی با علم اصول را از مقدمات اجتهاد و شمرده است و در صدد بوده تا رساله زنج‌ها در علم اصول تألیف کند و آن را در جلد بیست و پنجم بحار الأنوار بیاورد.

اجماع

علامه مجلسی اجماع را حجت می‌شمرد و بدان احتجاج می‌کند. بدیهی است که مقصود از اجماع در سخن ایشان، اجماع دخولی است که موارد آن محدود است.

ظاهر قرآن

ایشان ظواهر قرآن را حجت می‌داند و تمامی ابواب فقهی و غیرفقهی بحار الأنوار را با آیات قرآن آغاز می‌کند. استناد به آیات قرآن در بحار الأنوار به قدری گسترده است که می‌توان این کتاب را نوعی موضوع‌بندی آیات قرآن قلمداد کرد.

اصل برائت

اخباریان اعتقاد داشتند که در موارد شبهه‌ها و باید احتیاط کرد و دلیلی بر اصل برائت وجود ندارد. اما علامه مجلسی در این زمینه با آنان مخالف و همسان با اصولیان قائل به إباحه و حلیت است.

دسته‌&zwj& بندی احادیث

بر خلاف اخباریان که دسته‌&zwj& بندی چهارگانهٔ احادیث را منکرند، علامه مجلسی در بسیاری از کتابهای خویش از این روش استفاده کرده است. بدین‌گونه که او در شرح کتاب شریف کافی، بسیاری از متون آن را «ضعیف علی المشهور» خوانده است.

گفتنی است که اعتماد علامه مجلسی به کتب کهن، به ویژه کافی، بسیار زیاد است، با این همه وی در مرآة العقول (شرح کافی) و همچنین ملاًذُ الأخیار (شرح تهذیب الأحکام) از مبنای فقیهان استفاده کرده است.

عقل

علامه مجلسی در مباحث اعتقادی به عقل فطری استناد می‌&zwj& کند و به حُسن و قبح ذاتی عقلی معتقد است. ایشان در بحث وحدت صانع، ادله عقلی را بر ادله نقلی مقدم کرده است. البته نمی‌&zwj& توان علامه را عقل‌&zwj& گرا نامید، زیرا در موارد تعارض بین عقل و نقل، او جانب نقل را مقدم می‌&zwj& دارد و بر دلایل عقلی اعتماد نمی‌&zwj& کند. در اعتباریات شرعی نیز عقل را حجت نمی‌&zwj& شمرد و امامان معصوم (علیهم السلام) را عقل کامل معرفی می‌&zwj& کند و سخن آنان را حجت می‌&zwj& داند. علامه عقول غیرمعصومان را عقل ناقص و فاقد حجیت مطلق می‌&zwj& داند. به نظر ایشان، عقل در مرحله شناخت خدا و وحدانیت ذات باری تعالی و شناخت حجت کاربرد دارد. به باور علامه عقل پس از شناخت پیامبر و امامان (علیهم السلام)، به ناتوانی خود در فهم اعتبارات شرعی و آموزه‌&zwj& های دینی اعتراف می‌&zwj& کند و نظر آنان را بر خویش مقدم می‌&zwj& دارد.

ناهمگونی نظرات ایشان با فیلسوفان و متکلمان عقلی نیز مشهود و نمونهٔ بارز آن در حاشیه‌&zwj& های علامه‌&zwj& طباطبایی (رحمة الله علیه) بر مجلدات اول کتاب بحار الأنوار نمایان است.

بنابراین، در ارتباط با عقل و نقل، نظرات علامه مجلسی به اخباریان نزدیک‌&zwj& تر است، اگر چه با آن مطابقت تام ندارد؛ یعنی، به گونه‌&zwj& ای اجمالی، حجیت عقل را می‌&zwj& پذیرد، ولی محدودهٔ کاربرد آن را بسیار کم می‌&zwj& شمرد.

چگونگی رویارویی با فقیهان و عالمان

اخباریان، موضع‌&zwj& گیری خصمانه‌&zwj& ای نسبت به فقیهان، به ویژه علامه حلی، دارند، ولی علامه مجلسی نسبت به فقیهان بسیار با احترام برخورد می‌&zwj& کند و نام آنان، به ویژه علامه حلی، را با احترام فراوان یاد می‌&zwj& کند. او با متکلمان عقل‌&zwj& گرا همانند خواجه نصیر طوسی نیز برخوردی این‌گونه دارد.